

Semantic diversity and lexical breadth in translation (Arabic to Persian) with Generative-Transformational Grammar; Case examples (Ethm, Efq, Fesq, Zhanb) [In Persian]

Ali Sayadani^{1*}, Hossein Vazifeshenas², Yazdan Heydarpour Marand³

1 Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

2 Master in Arabic translation, Faculty of Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

3 Master in Arabic translation, Faculty of Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

*Corresponding author: a.sayadani@azaruniv.ac.ir

DOI: 10.22034/jltll.2022.254480

Received: 21 Aug, 2021

Revised: 29 Dec, 2021

Accepted: 25 Apr, 2022

ABSTRACT

Language communities must be conversant with the vocabulary and word combinations used by speakers in order to build communication amongst languages of the world. Understanding grammar and syntax norms may greatly aid in expressing the idea and bolster the message's accuracy. Noam Chomsky established grammatical rules in 1957. According to these rules, the internal workings of languages are the same, and the only differences are in the form, phonetic structures, and commands. This means that the sentences and concepts that exist in mind about various topics have the same concepts and only differ in the quality of their expression in the form of syntax. A disadvantage of translation occurs when various equivalents are used for the same term in the same language since different words affect how concepts are presented, in addition to differences in linguistic structure. Knowing the terms, when to use them, and how to deal with the association issue can help you use words correctly, grasp the text clearly, and prevent translation errors. As a result, the researchers in this work used the descriptive-analytical technique to assess the word equivalency while focusing on the accuracy of the translation using the genealogical method. The findings demonstrate that there are two aspects to translating astrology into Arabic and Persian: the infrastructure and superstructure. The infrastructure demonstrates the action of gesturing by applying elements (deletion, insertion, replacement, and transposition) of the example sentence in the target language, which by using different equivalents, causes both semantic multiplicity and vocabulary diversity in the text.

Key words: Noam Chomsky, Transformative-Generative Linguistics, Transformative-Generative Translation, Equivalence

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبان‌شناسی زایا گشتاری؛ مطالعه مورد پژوهی واژگان (اِثم، اِفک، فسق، ذنب)

علی صیادانی^۱، حسین وظیفه شناس، یزدان حیدریور مرند

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
- ۲- کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.
- ۳- کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: a.sayadani@azaruniv.ac.ir

DOI: 10.22034/jltl.2022.254480

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰

چکیده

جوامع زبانی برای ایجاد ارتباط بین زبان‌های مختلف دنیا، نیازمند آشنایی با واژگان و ترکیبات مورد استفاده در بین اهل زبان هستند. شناخت قواعد دستوری و نحوی نیز کمک زیادی در انتقال مفهوم و تقویت میزان درست بودن پیام را به دنبال دارد؛ قواعد دستوری از سوی نوام چامسکی در سال ۱۹۵۷ میلادی پایه‌ریزی شد که بر اساس آن، ساختهای درونی زبانها به صورت یکسان عمل می‌کند و تنها اختلاف در ساختها و دستورهای شکلی و آوایی است، به این معنا که جملات و مفاهیمی که در مورد مسائل مختلف در ذهن موجود است، دارای مفاهیم یکسان بوده و تنها در کیفیت بیان آنها در صورت نحوی متفاوت می‌باشند. علاوه بر تفاوت در نوع ساختار زبان، واژگان مختلف نیز در ارائه مفاهیم نقش دارند که گاه برای یک واژه در یک زبان معادل‌های گوناگونی قرار داده می‌شود و این یک آسیب برای ترجمه‌ی است؛ شناخت واژگان، جایگاه استفاده‌ی آنها و توجه به مسأله‌ی هم‌نشینی، کاربرد صحیح واژگان و فهم دقیق متن را منجر می‌شود و مترجم را از خطا مصون می‌دارد، بنابراین پژوهشگران با روش توصیفی - تحلیلی در این مقاله تلاش دارند تا ضمن توجه به کیفیت ترجمه به روش زایاگشتاری، معادل‌یابی واژگان را بررسی کنند، نتایج نشان می‌دهد که ترجمه به روش زایاگشتاری در زبان عربی و فارسی دارای دو وجه می‌باشد؛ زیرساخت و

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبان‌شناسی زایا‌گشتاری؛

روساخت، که عمل گشتار با اِعمال عناصر (حذف، درج، جایگزینی و فراجایگاهی) جمله‌ی نمونه را در زبان مقصد نشان می‌دهد که با استفاده از معادلهای مختلف، هم موجب تعدد معنایی و هم تنوع الفاظ در متن می‌شود.

واژگان کلیدی: نوام چامسکی، زبان‌شناسی زایا‌گشتاری، ترجمه زایشی - گشتاری، معادل یابی

مقدمه

ترجمه برای انتقال پیام بین زبانهای مختلف، دارای اهمیت و نقش تعیین کننده‌ای است. آگاهی از علوم جدید، بدون ترجمه بین‌زبانی امکان ندارد. ترجمه به صورتهای متنوع از جمله: واژه به واژه، آزاد، تفسیری، ارتباطی و انواع دیگر آن انجام می‌شود که گاه مفهوم اصلی متن قابل فهم است و در مواقعی انحراف از متن اصلی رخ می‌دهد، آسیب‌شناسی ترجمه نیازمند اتخاذ روشی است تا علت تنوع در ترجمه - به ویژه معادلهای گوناگون - برای مخاطب روشن شود، البته اطلاع از لوازم ترجمه نیز ضروریست؛ «قاعده‌ی مشخص مفردات، بررسی عمیق قواعد و بلاغت دو زبان مورد ترجمه، فرهنگ جامع، امانت در انتقال مفاهیم و حوصله از مشخصه‌های موجود برای ترجمه متون می‌باشد.» (محمد نجیب، ۲۰۰۵: ۸ و ۹)، محمد نجیب علاوه بر موارد قبلی، خوانش سریع متن جهت تفکر عمیق در موضوع، قرائت همراه با آرامش جهت توضیح معنی به صورت کامل، مشخص کردن واژگان، ترجمه‌ی واژه به واژه، تطبیق با دستور زبان مقصد، ارتباط دادن جملات به همدیگر، ایجاد روحیه‌ی منسجم میان واژگان، نگارش و ویرایش متن و پاکسازی خطاهای دستوری، املائی و سبکی را توصیه می‌کند. ما در این پژوهش قصد داریم بوسیله‌ی معیارهای زبان‌شناسی زایا‌گشتاری - که توسط نوام چامسکی در نیمه‌ی قرن بیستم مطرح شد - علت تنوع واژگانی و معنایی را در ترجمه از زبان عربی و زبان فارسی و برعکس بررسی کنیم. وجوه مشترک زبان عربی و زبان فارسی از جمله: نزدیکی مرزها، تشابهات زبان‌شناسی، قضایای دینی و مسائل دیگر موجب شده مطالعات بین‌زبانی مختلفی صورت گیرد؛ زبان‌شناسی جدید که با نام زایشی - گشتاری معروف است با انتشار کتاب

«ساختارهای نحوی» در سال (۱۹۵۷م) گسترش یافت و سبک زبانشناسی جدیدی را ارائه داد؛ «نظریه‌ی زایشی - گشتاری در واقع دو نظر مکمل هم هستند؛ زایشی به مجموعه قواعدی اطلاق می‌شود که از طریق شماری از واژگان، برای ایجاد تعداد زیادی جمله عمل می‌کند که بنیانگذار، آن را با مثالهای ریاضی شرح داده است، یعنی اختلاف ارزش متغیرها، منجر به اختلاف نتیجه در معادله می‌شود. وگشتاری، اعمال قواعد حذف و تغییر موقعیت جمله برای خلق جملات درست بی‌شمار می‌باشد.» (دراج، ۲۰۰۳: ۱۱۰). بر اساس این نظریه، زبانها در خلق مفاهیم اولیه یکسان عمل می‌کنند اما برابری این مفاهیم با قواعد نحوی و واژگان شناخته شده‌ی جامعه‌ی زبانی عملی می‌شود. پژوهشگران در این مقاله با آوردن ترجمه‌ی واژه‌ی گناه از پنج مترجم به طور اتفاقی (فولادوند، قمشه‌ای، انصاریان، خرمشاهی و مکارم شیرازی) که شامل کلمات هم‌معنی در زبان فارسی ولی متفاوت در زبان عربی، کثرت معنا را در ترجمه نشان دهند؛ واژگان مختلفی در قرآن موجود است که برابر کلمه‌ی گناه در زبان فارسی است اما هدف از بررسی موارد محدود در این مقاله صرفاً نشان دادن وجود تنوع واژگانی و معنایی در ترجمه به زبان فارسی است و نه بررسی انواع معادله‌های آن، البته ذکر این نکته ضروری است که نظریه‌ی مذکور به صراحت در مورد برابری در ترجمه اشاره‌ای نکرده است، لذا محققان با توجه به شواهد معنایی در ترجمه این را مورد بررسی قرار خواهند داد.

سؤالات پژوهش

- ۱- مطابق نظریه زیاگشتاری، عناصر گشتاری (حذف، درج، جابجایی و تغییر) چگونه جمله‌ی زیرساخت را به جمله‌ی روساخت تبدیل می‌کنند؟
- ۲- تعدد معنایی و واژگانی در برابری واژگان (اِثم، اِفک، فسق و ذنب) بر اساس نظریه‌ی زبانشناسی نوین چگونه صورت می‌گیرد؟

پیشینه‌ی پژوهش

آثار علمی مختلفی برای تبیین ساختار دستور جدید زبانشناسی چامسکی تدوین شده است؛ مثل: ۱- «برابریابی فارسی «إن» در ابتدای آیات قرآن کریم برپایه‌ی دستور زبان زایشی - گشتاری» به قلم رضا شکرانی و محسن توکلی؛ بررسی‌ها و نتایج نشان می‌دهد که واژه‌ی إن در آیات همیشه تأکیدی نبوده و از ترجمه‌ی آن در زبانهای دیگر پرهیز شود، ۲- «نگرشی مجدد به اندیشه‌های نوام چامسکی» نوشته‌ی نصران. پورافکاری و مسعود کیانپور؛ تحقیق پیرامون بحثهای جدید زبانشناسی بررسی‌هایی را صورت می‌دهد، ۳- «نظریه تشومسکی التحویلیه التولیدیة الأسس و المفاهیم» (Transformational Generative Theory of) (Chomsky Foundations and Concepts)؛ نوشته‌ی دکتر مختار درقاوی؛ وی روند زبانی نظریه چامسکی را با تکیه بر مهمترین پایه‌های آن، به ویژه ترکیبات معنایی و دستوری بررسی می‌کند، ۴- «النظریه التحویلیه التولیدیة فی الفكر اللسانی العربی الحدیث»؛ پایان‌نامه توسط بدره عمار علی فرخی در دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی دانشگاه اردن گردآوری شده است، محقق پس از مقدمه، قواعد مربوط به زایاگشتاری را در چارچوب نحو زبان عربی بیان می‌کند، ۵- «ملاح النظریه التولیدیة التحویلیة فی کتاب سیبویه»؛ اثر حسین علوی الحبشی محقق دانشگاه حضرموت است که نقاط افتراق و مشابه نظریه‌ی چامسکی و نظریه سیبویه را بررسی می‌کند که نتیجه‌ی تحقیق عدم همسویی دو نظریه است، ۶- «النظریه التولیدیة التحویلیة و ملامحها فی کتاب (مقتضب) للمبرد (ت ۲۸۵هـ)»؛ این پایان‌نامه توسط بشائر علط عبد عباس در دانشگاه دیالی تدوین شده است، پژوهشگر زبانشناسی سنتی را با زبانشناسی جدید چامسکی بررسی و ویژه‌گی‌های آن را بیان و زبان عربی را در قالب آن ارائه می‌کند، ۷- دستور گشتاری و استدلالهای زبانشناختی؛ اثر کوروش لاجینی است که در آن به مباحث زایاگشتاری پرداخته و نمونه جملات زیرساخت و روساخت را با تکیه بر ابزار گشتار و قواعد نحوی در زبان انگلیسی بررسی کرده است ۸- چامسکی، ترجمه‌ی خانم شیرمحلله است؛ بررسی نظریه‌ی زایشی - گشتاری با طرح مستقیم دیدگاههای افرام نوام چامسکی. ۹- کتاب دستور زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی گشتاری نوشته‌ی مهدی مشکوه‌الدینی؛ نویسنده به توضیح موارد دستور گشتاری

در زبان فارسی پرداخته و بخش نحوی زبان فارسی را در قالب دستور زایشی - گشتاری بررسی می‌کند، ۱۰ - الاتجاهات المعاصرة في تطور دراسة العلوم اللغوية اثر احمد عبدالعزیز دراج که بصورت کتاب گردآورده است؛ مربوط به زبانشناسی جدید و نقدهای صورت گرفته که در بین مباحث، بخشی را به عنوان بررسی نظریه زایاگشتاری اختصاص داده است. تحقیقات دیگری نیز پیرامون نظریه‌ی چامسکی بحث کرده‌اند. پژوهشگران مقاله‌ی حاضر با بررسی تحقیقات مذکور، علل تعدد معنی و لفظ را در معادلیابی در چارچوب نظریه‌ی زایاگشتاری بحث می‌کنند که وجه تمایزش با دیگر تحقیقات همین مورد است.

چامسکی و نظریه‌ی زایشی - گشتاری

«نوام چامسکی زبانشناس آمریکایی روسی‌الاصل، در فیلادلفیا در سال ۱۹۲۸م در یک جامعه‌ی زبانی متولد شد، در دانشگاه به یادگیری علوم زبانشناسی، فلسفه و ریاضیات پرداخت و در نزد زیلیچ هارس به تحصیل زبانشناسی مشغول شد، وی از پایان‌نامه‌ی مدرک فوق لیسانس خود به نام «زیرساخت نظام آوایی و صرفی زبان عبری معاصر» در سال ۱۹۵۱م دفاع کرد و بعد از آن، دو فعالیت (تحلیل گشتاری و رساله‌ی دکتری به نام ساختهای منطقی نظریه‌ی زبانی) را که اساس کارهای علمی او بود ارائه داد و به نظر می‌رسد شاخص ارتقای وی با انتشار کتاب ساختارهای نحوی اوج گرفت.» (همان: ۱۱۱)

مفاهیم بر اساس قواعد نحوی زبانها در موقعیتهای مختلف تغییر کرده و در اشکال متنوع ایجاد می‌شوند، «دستور زبان به معنی خاص آن، به بررسی ساختهای دستوری یا سازه‌های جمله و روابط موجود میان آنها می‌پردازد.» (مشکوه الدینی، مهدی، ۱۳۷۰: ۴). قواعدسازهای بر اساس ساخت دستور زایشی - گشتاری، هم در حوزه‌ی ارتباط زبانی و هم در حوزه‌های دیگر مثل ترجمه (گرچه نگاه ویژه‌ای به ترجمه ندارد) مورد استقبال قرار گرفت، «نحو زایشی توانایی‌ای است که هر انسانی می‌تواند برای ایجاد و فهم جملات بی‌شمار بکاربرد.» (درفاوی، ۲۰۱۴: ۸)، به این معنی که «دستور زبان زایشی نیز صرفاً دستور زبانی است که قواعد صریح ساخت جمله‌ها، صورت آوایی و تفسیر معنایی آنها را ارائه می‌دهد، به زعم چامسکی ادراک همان توصیف ساختاری عبارت زبانی می‌باشد که شامل اطلاعات آوایی، معنایی و نحوی است و در

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبان‌شناسی زایا گشتاری؛

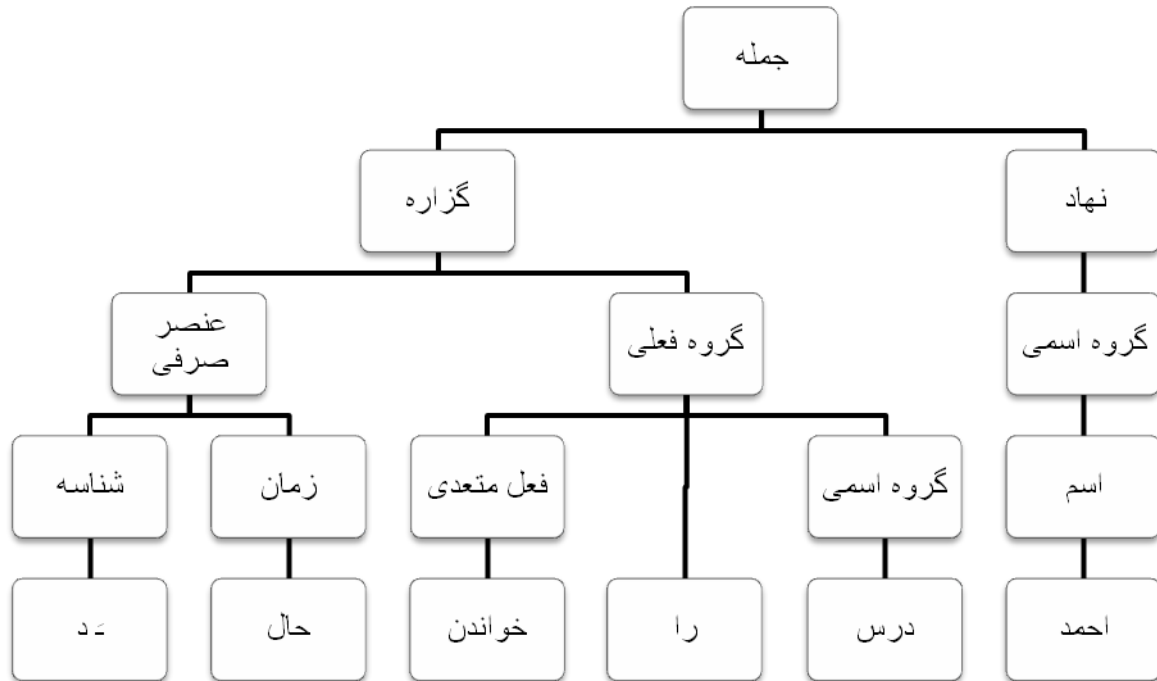
قالب ساختارهای نحوی بیان می‌شود.» (پورافکاری، نصرالله، کیانیپور، مسعود، ۱۳۸۵: ۲۱). این نظریه در چارچوب نظام واحد معنایی اما متغیر در نظام آوایی عمل می‌کند، به نظر چامسکی اصطلاح جمله، مجموعه‌ای از ترکیبهای اساسی و نه سلسله ترکیبهای صوتی‌ست، لذا «در خلق نظریه‌ی خود بر تعدادی از اصول و فرضیات برای طرح ایرادها، حل و سپس اصلاح آنها بر اساس نیازها و ابزارها تکیه داشته است.» (دراج، ۲۰۰۳: ۱۱۲) که عبارتند از:

دستور

براساس این معیار جملات نامحدودی از قواعد محدود ایجاد می‌شود و توصیف ظاهری آن توسط زبان‌شناس صورت می‌پذیرد، «نحو دارای سه بخش و ساخت است؛ ساخت ترکیبی که قواعدی را برای ایجاد جمله در آن زبان مشخص می‌کند، ساخت معنایی که شامل قواعدی که با جمله‌ی روساخت در ترکیب نحوی تفسیر می‌شود و ساخت آوایی و صوتی که جمله‌ای را از اصوات در جمله‌ی روساخت از ترکیب نحوی ایجاد می‌کند. (آمال، ۲۰۱۷: ۴۹ و ۵۰).

قواعد سازه‌ای

«قاعده‌های سازه‌ای مجموعه‌ی محدودی از قاعده‌های بازنویسی است، هر قاعده‌ی سازه‌ای با بازنویسی یک عنصر، دستوری را به صورت عنصر و یا زنجیره‌ای از عناصر دیگر بازنویسی می‌کند مثل:



(مشکوه الدینی، ۱۳۷۰: ۳۸)

جمله: نهاد+گزاره

نهاد(گروه اسمی)+گزاره(گروه فعلی)+(عنصر صرفی)

اسم+گروه اسمی+فعل متعدی+زمان+شناسه

گشتار

گشتار قواعد سازه‌ای را به شکلهای مختلف تبدیل کرده و مفاهیم جدیدی را بیان می‌کند، «بر اساس تفکر اصلی چامسکی، گشتار مجموعه‌ای از قواعد مشخص مثل: حذف، اضافه، جابجایی و تغییر جهت ایجاد جمله‌های مختلف چون نفی، سؤالی و مجهول از جمله‌های پایه‌ای (یا جمله‌های هسته‌ای که جمله‌های خبری مثبت را خلق می‌کند) می‌باشد.» (دراج، ۲۰۰۳: ۱۱۳)

قاعده‌ی نحوی این جمله به این شکل است ← نهاد(گروه اسمی)+گزاره(گروه فعلی)= جمله‌ی

روساخت:

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

– احمد درس می خواند، طبق فاعده‌ی دستوری، گشتار اعمال شده برای ساخت جمله‌ی نهایی به این صورت می باشد:

– گشتار جابجایی: تبدیل مصدر به فعل مضارع (خواندن) ← می خواند

ژرف ساخت

مفاهیم ذهنی در مورد چیزهای مختلف برای تداعی معانی آنها در ذهن وجود دارد که هرکس می تواند آنها را بیان کند. «هر جمله‌ای که بیان یا نوشته می شود، دو صورت دارد: نخست صورتی که همراه با مفهوم و مطابق نحو معمول زبان بدون پیرایه‌های ادبی و ملاحظاتی در ذهن حاضر می شود، اصطلاحاً ژرف ساخت یا زیر ساخت نام دارد.» (شکرانی، رضا وتوکلی، محسن، ۱۳۹۱: ۳ و ۴).

روساخت

عناصر گشتاری جملات در این مرحله ظهور می کنند و جمله به صورت کامل بیان می شود. «روساخت سطحی در دستور گشتار است که شکل و نظم جمله را به عنوان پدیده‌ی مادی مشخص می کند.» (دراج، ۲۰۰۳: ۱۱۶)

کنش زبانی

کنش زبانی به معنی نیروی زبانی در برخورد با موقعیتهای مختلف جهت عکس العمل و ایجاد جملات در حالت‌های مختلف و نیز تشخیص مهمات از مستعملات زبانی به این حوزه از دستور گشتاری مربوط می شود... «کنش زبانی برگردان دانش زبانی در عمل و آنچه گویندگان در موقعیت ویژه واقعی بالفعل می گویند و می فهمند.» (ترابی، ۱۳۸۱: ۳۳ و ۳۴)

توانش زبانی

چامسکی این عنوان را جهت بالفعل کردن مفاهیم ذهنی در برخوردها و ارتباطات زبانی بیان می کند یعنی امکان و توان بازگویی جملاتی که در مرحله نخستین ساخته می شوند. توانش زبانی «عبارت است از ابزارها و توانایی‌های زبانی فطری که از طریق تعامل با محیط طبیعت در مرحله‌ی کودکی رشد می کنند، این

توانایی‌ها آنها را بر قبول و کسب اطلاعات زبانی و دخیره‌سازی آنها و ایجاد قواعد زبان مادریشان بصورت تدریجی و تصاعدی تا دستیابی به ثبات کمک می‌کند.» (دراج، ۲۰۰۳: ۱۱۳)، «توانش، قدرت تولید جملات در سخن گفتن با تکیه بر توانایی و ایراد می‌باشد.» (سیدی محمد، ۲۰۱۷: ۲۸)

شم زبانی

این مورد به معنی قضاوت در مورد جمله‌های زبان آن جامعه و دستیابی به ساخت قواعد است که نشان-دهنده قضاوتها باشد.

محورهای دستور زایشی - گشتاری درصدد ساخت جملات مختلف بر اساس موقعیتهای جدید می-باشند، در واقع «دستور زبان زایشی می‌کوشد به سؤالات طرح شده به وسیلهی انواع دیگر دستور زبان پاسخ دهد؛ سؤالاتی مثل اینکه گویشگران چه چیزی می‌دانند که آنها را قادر می‌کند هوشیارانه از اشارات و مثالهایی که دستور زبان متعارف می‌آورد استفاده کنند.» (محمدی شیرمحله، ۱۳۷۹: ۷۱)

دستور گشتاری نسبت به ترجمه قواعدی را وضع نکرده است اما بخش گشتار آن را می‌توانیم در چارچوب فن ترجمه بررسی کنیم؛ گشتار به بررسی روند و فن برابری جملات می‌پردازد. ظرف ساخت در تمامی زبانها به صورت یکسان عمل می‌کند، عناصر چهارگانه‌ی گشتار (درج، حذف، جایجایی و فراجایگاهی) موجب ظهور جمله‌ی روساخت از زبان فارسی به عربی و برعکس می‌شود که واژگان در این فرایند نقش مهمی ایفا می‌کنند، ممکن است برای یک واژه چندین معادل آورده شود که مهمترین چالش در امر ترجمه می‌باشد، بنابراین آگاهی از برابری واژگان زبان مبدأ ضرورت دارد تا میزان خطا به حداقل برسد، در برخی موارد مترجم از برابری مختلف استفاده می‌کند که نتیجه‌ی آن تعدد معنایی و لفظی است. واژگان و قواعد سازه‌ای زبان عربی با زبان فارسی متفاوت است و با تکیه بر کنش و توانش زبانی واژه‌ی ذهنی را به کار گرفته و واکنشگر می‌باشند. دستور گشتاری این فرصت را به جامعه‌ی زبان هدف می‌دهد تا با استفاده از معیارهای معادلپایی، نسبت به برگردان واژگان و ترکیبات اقدام کند.

واژه‌گزینی در زبان عربی و زبان فارسی در رو ساخت

تعریب راهکاری برای واژه‌سازی در زبان عربی است؛ تعریب یعنی عربی کردن واژه با تغییر حرکت و حروف، کلمه‌ی فارسی مهرگان با تبدیل حرف «گاف» به «جیم» و کسره به فتحه در حرف ر به کلمه مَهْرَجَان تعریب می‌شود. در تعریب واژگان دو نظر وجود دارد: «۱- عربی کردن واژگان علمی و فنی بیگانه؛ واژه انگلیسی GENO را بصورت الجین بکار ببرند، ۲- ایجاد معادل عربی در برابر واژه بیگانه؛ واژه GENO المُوَرَّثه یا الجِنس استعمال کنند.» (معروف، ۱۳۹۳: ۵۷ و ۵۸)، تعریب به عنوان خط مشی حفظ استقلال واژگان در بیشتر کشورهای عربی مورد تأکید است، «از آثار نهضت تعریب، غنای واژگانی وضع شده و اصطلاحات عملی و شیوه‌های تعبیر می‌باشد علاوه بر آسان کردن زبان عربی، آن را نسبت به علوم جدید توسعه داد و توجهش را به پژوهشهای علمی در همه‌ی شاخه‌ها جلب کرد.» (المعوش، ۲۰۱۱: ۱۰۹) کشورهای عربی تعریب را با اهدافی اعمال می‌کنند، «هدف تعریب در کشور سعودی، مراقبت از زبان عربی در رسانه و آموزش می‌باشد و نیز در چارچوب آن بهبودبخشی و بهره‌گیری از توان زبان عربی در بیان اصطلاحات علمی جدید و جلوگیری از گسترش کلمات بیگانه علمی، فنی و چه پزشکی است.» (القحطانی، ۲۰۰۲: ۶۳) این سبک واژه‌سازی موجب تنوع واژگانی شده و تعداد زیادی از واژگان را برای متون مختلف آماده می‌کند؛ مثلاً کلمه اینترنت به صورت الإنترنت تعریب می‌شود. ترادف نیز به عنوان فن واژه-گزینی با وجود موافقان و مخالفان، از سوی فرهنگستانهای مختلف عربی (المجامع العلمیه) مورد تأیید قرار گرفته و از اهداف مهم آنها تأکید بر تعریب واژگان خارجی است. «واژه‌گزینی، دومین شیوه‌ای است که پس از واژه‌سازی برای برابری اعم از برابری دانش واژگانی زبان مبدأ یعنی اصطلاحات بیگانه یا برابری اصطلاح و دانش واژه مورد نیاز در خود زبان مقصد برای مفهومی نوین به کار گرفته می‌شود و به معنای پیشنهاد برابری‌ها در برابر اصطلاح مورد نظر بر بنیاد نوگزینش یا برگزینش از میان واژگان موجود در زبان عربی می‌باشد.» (صدیقی، کلثوم، ۱۳۹۴: ۷) زبان فارسی همانند زبان عربی به چند روش اقدام به این کار می‌کند، «واژه‌گزینی فرایندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی یا فنی یا حرفه‌ای یا

هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می‌شود.» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸: ۹). «برگزینش، انتخاب یک واژه یا عبارت از میان واژگان و عبارتهای موجود در زبان است.» (همان: ۱۱) واژگانی که در متون مختلف در نوشته‌ها و حتی سروده‌های زبان فارسی یافت می‌شوند، از این نوع هستند؛ واژه‌ی سپر در گذشته به عنوان سلاح در برابر جنگجو بود و امروزه به عنوان سپر خودرو شناخته می‌شود. اهل زبان به دلایلی چون لذت بردن از استعمال یا فخر فروشی، علاقه دارند تا واژگان زبان دیگر را در بین جامعه خود شایع کنند اما با وجود غنای واژگانی زبان فارسی نیازی به کاربرد واژگان خارجی که در اصطلاح وام‌گیری گفته می‌شود، نیست. «وام‌گیری اخذ یک واژه از زبانهای بیگانه (معمولاً غربی) با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد و در حوزه‌های دارویی، اسامی شیمیایی و واحدهای اندازه‌گیری است.» (همان: ۱۲)، معادلیابی روش دیگر واژه‌گزینی در زبان فارسی است، «معادلیابی عبارتست از برگزیدن یک واژه یا عبارت یا صورت اختصاری در مقابل یک واژه بیگانه می‌باشد.» (همان: ۴۱). تناسب معنایی و نیز گرته‌برداری به همان شکل در زبان مبدأ، نوع دیگری از معادلیابی محسوب می‌شود. «معادل قرار دادن از لحاظ معنایی و ساخت معادل به همان شکل و معنی در زبان مقصد و همچنین ساخت معادل از قرار دادن هر یک از اجزای واژه بیگانه در زبان مبدأ دو شکل معادلیابی هستند.» (همان: ۴۱ و ۴۲) زبانها با غنای واژگانی خود تعدادی از معادلهای را در اختیار دارند و می‌توان یکی را به جای دیگری استفاده کرد، لذا تسلط بر دایره واژگانی و معنایی در زبان مبدأ و مقصد ضروری است تا در برگردان متون برابری مناسب انتخاب شود. این کار مانع خطا در برابری می‌شود «دستورنویسان و زبانشناسان، برای واژگان مترادف و هم‌معنا انواعی را برشمرده‌اند. این تقسیم‌بندی بر اساس رابطه‌ی معنوی واژگان و نیز میزان درجه رابطه‌ی واژگان است که به صورتها و در قالبهای متفاوتی ارائه شده است مانند مترادف کلامی و غیر کلامی، کامل و ناقص، واژگانی و بافتی، توصیه‌ای و بافتی و تحقیقی و ضمنی» (امامی و دیگران: ۱۳۹۵: ۸۸ و ۸۹)، مترادفات ممکن است در تمامی نوشته‌ها جایگزین مناسب برای هم نباشند؛ چون «کلمات در صورتی هم‌معنا یا مترادف قرار می‌گیرند که از ضوابط و قوانین خاصی پیروی کنند، اکثر دستورنویسان بر این امر

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

تأکید می‌کنند که هم‌معنایی مطلق بین واژگان وجود ندارد و حتی دو واژه‌ای که آن را به عنوان مترادف و هم‌معنا می‌دانیم، باز در مواردی با هم اختلاف دارند» (همان: ۹۰)، لذا آگاهی کامل و عدم شتاب‌زدگی در انتخاب کلمات مترادف لازم است، استعمال واژه بین اهل زبان نیز باعث شیوع در بین جامعه‌ی زبانی می‌شود؛ از بین تمامی راه‌کارهای تعریف شده جهت برگردان زبان مبدأ، واژه‌گزینی، معادلپایی و معادلسازی بیان شده است که زبان فارسی و زبان عربی برای برابری واژگان آنها را به کار می‌گیرند.

گشتار و ترجمه

چهار عنصر، زیر مجموعه‌ی بحث گشتار دستوری می‌باشد که مترجم با اعمال آنها می‌تواند ترجمه‌ای مقبول را ارائه دهد. «با وجود آنکه ساختار و موجودات زبانی در اغلب زبانها مانند هم هستند، یعنی زبانها عمدتاً متشکل از اسم و صفت و فعل و قیداند، ولی کاملاً همسان نیستند. و اولین اخلاف مهم آنها این است که جای کاربرد فعل و فاعل و مفعول و قید و صفت فرقهایی با هم دارند» (خرمشاهی، ۱۳۹۰: ۱۴۱) اما با اعمال چهار عنصر (حذف، جایگزینی، درج و جابجایی)، ژرف ساخت جملات را به جملات روساخت در زبان مقصد تبدیل می‌کند، «ژرف ساخت واحدها و نیز روابط دستوری زیر بنایی را شامل می‌شود که بر پایه‌ی آن معنی جمله و همچنین رابطه‌ی آن با جملات دیگر زبان مشخص می‌شود.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۲۳) مترجم مفاهیم را در کنار هم قرار می‌دهد و پس از گذراندن از مراحل دستوری، شکل متغیر جمله را ارائه می‌دهد که این به خاطر تفاوت‌های موجود در مراحل تهیه‌ی واژه و انتقال آن به ساختار زبانی می‌باشد. زیرا زبان دارای قوه باطنی و ظاهری می‌باشد. به عبارتی بخش فطری در ذهن موجود است و بخش گفتاری که به زبان مربوط می‌شود.

– بارش باران از آسمان

مفاهیم موجود در جمله، ما را راهنمایی می‌کند تا برداشتی مناسب از وضعیت موجود در هنگام بارش داشته باشیم، و بر اساس زیرساختهای جمله، بتوانیم مفهوم جدیدی را ارائه دهیم. و همه‌ی این تغییرات از طریق گشتار (حذف، جابجایی، درج و جایگزینی) باعث ایجاد جمله‌ی نهایی می‌شوند.

جمله‌ی روساخت: باران می‌بارد

گشتارهای موجود در این جمله:

- حذف: متمم با حرف اضافه (از آسمان)

- جابجایی: باران به عنوان نهاد به جای اضافه قرار گرفته است

- جایگزینی: نهاد جمله در جایگاه فعل است.

دستور زایاگشتاری صراحتاً به برابریابی متون نمی‌پردازد اما مسائل زبانشناسی مقابله‌ای را به ما آموزش می‌دهد، «زبان‌شناسی مقابله‌ای به مقابله و مقایسه‌ی دو یا چند زبان می‌پردازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آنها را مشخص کند. یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های میان زبان‌ها در سطوح گوناگون آوایی، واجی، صرفی، نحوی، واژگانی، معنایی و کاربردی صورت می‌گیرد.» (ضیاء حسینی، ۱۳۸۸: ۲۸۸). در نظریه معنی‌شناسی زایشی، از راه گسترش تحلیل‌های معنایی و جستجوی روابط دستوری میان آن‌ها سطح نحوی زایا مستقل و جدا از سطح معنایی در نظر گرفته نمی‌شود و اطلاعات معنایی لازم به همراه روابط دستوری و نیز محدودیت‌های انتخاب به‌طور یکجا در جمله‌نمای ژرف‌ساختی نمایش داده می‌شود و به این شکل ژرف‌ساخت تعبیر معنایی جمله را نیز نشان می‌دهد. طبق نظریه‌ی زایاگشتاری برای ایجاد جملات روساخت، قواعد سازه‌ای وجود دارد که به عنوان قالب‌های نحوی، واژگان یک زبان در آن جای می‌گیرند و جمله‌ی مورد نظر را به صورت شناخته شده برای اهل زبان ترسیم می‌کنند.

قواعد سازه‌ای در زبان عربی و زبان فارسی

قواعد گشتاری در زبان عربی یا اجباری و یا اختیاری است؛ قواعد اجباری به اجرای برخی قواعد

اساسی منجر می‌شود که دارای دو قسمت است:

۱- قواعد کمکی به همراه اشتقاق صیغه‌ی فعل می‌باشد:

- فعل مبنی معلوم + ماضی + مبنی + فتح / ضم / سکون (سأل)

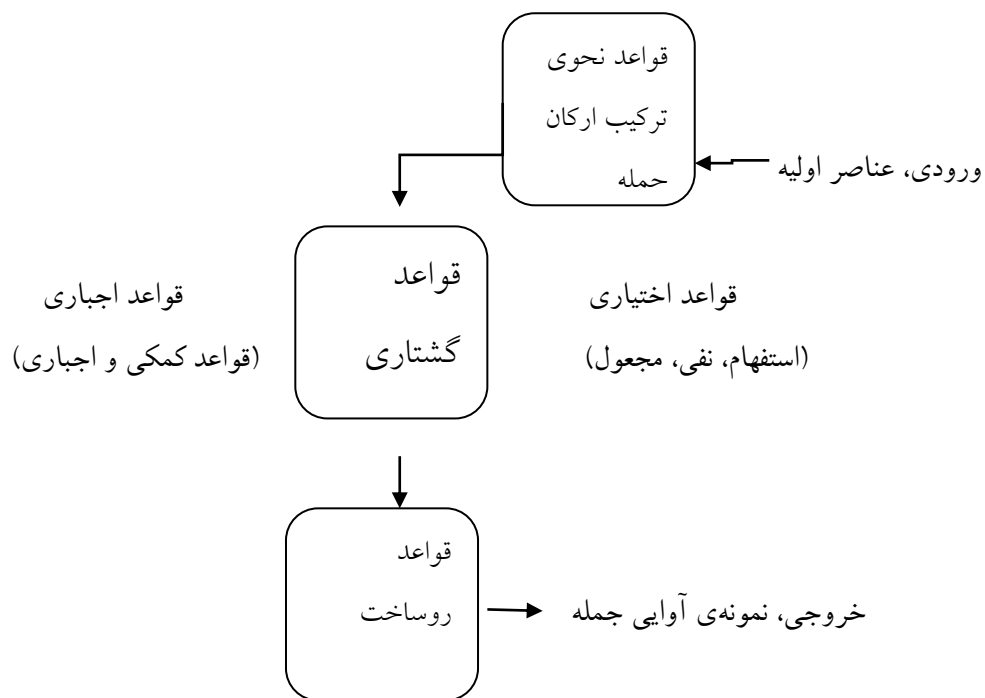
- فعل مبنی مجهول + مضارع + معرب + نصب / رفع / جزم (یُسأل)

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

۲- قواعد بر اساس حساسیت سبک که دو نوع تطابق و اسناد حرکه‌ی آخر می‌باشد. (دراج، ۲۰۰۳: ۱۲۳

و ۱۲۴)

بر اساس الگوهای بالایی هرگاه این قواعد اجباری بر روی فعل یا کلمه‌ای اعمال شد قواعد اختیاری برای ساخت انواع جملات بر اساس آنها بکار می‌روند. منظور از قواعد اختیاری، انواع حالت‌های مختلف و گونه‌های متنوع جمله‌ای است که گاهی برای پرسش، نفی، نهی، پرسش و نفی، نفی و مجهول و غیره در جملات با توجه به نیاز هریک از آنها استفاده می‌شود.



(همان: ۱۲۹)

«نشانگرهای نفی در زبانهای مختلف متفاوت است، زبان یونانی کلاسیک نشانگرهای وجهی منع دارد که در تقابل با نفی امکان با زبان گرجستانی قرار می‌گیرد. در زبانهای دیگر نشانگر نفی بر اساس ارزش نمودی تغییر می‌کند، مثل زبان چینی. در زبان عربی هم نمود و وجهیت در ارتباط تنگاتنگ قرار دارند.» (شیروان، ۱۳۹۸: ۱۲). در زبان فارسی برای نشان دادن ساخت نحوی، جمله را به نهاد و گزاره تقسیم می‌کنیم و این بر خلاف زبان مبدأ است که جملات فعلیه و اسمیه نامگذاری می‌شوند.

دستور زبان عربی: فعل + فاعل + ... (وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ) سوره انعام: آیه ۱۶۶

دستور زبان فارسی: فاعل(نهاد) + گروه فعلی(و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده وامی گذارید [نه] بلکه شما مردمی تجاوزکارید).

این نظریه‌ی قواعد سازه‌ای را به دو گروه اجباری و اختیاری تقسیم می‌کند؛ قواعدی که به صورت اشتقاقی عمل می‌کند و قواعدی که به صورت ترکیب جمله‌ی اسنادی وضع می‌شوند.

قاعده‌ی استفهام: ادات استفهام + فعل ماضی + گروه اسمی + گروه اسمی

أ + غَرَسَ + الطُّفْلُ + الزَّرْعُ

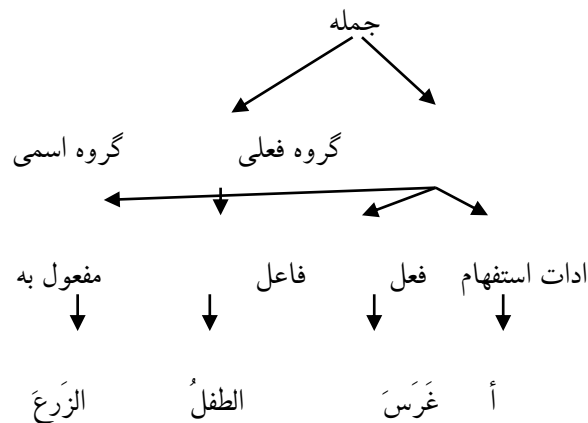
قاعده‌ی نفی: ادات نفی + فعل مضارع + گروه اسمی + گروه اسمی

لَمْ + يَغْرِسَ + الطُّفْلُ + الْوَرْدَ

قاعده‌ی مجهول و نفی: ادات نفی + فعل مضارع + گروه اسمی

أ + لَمْ يَغْرِسَ + الْوَرْدُ

(دراج: ۲۰۰۳: ۱۲۶ و ۱۲۷)

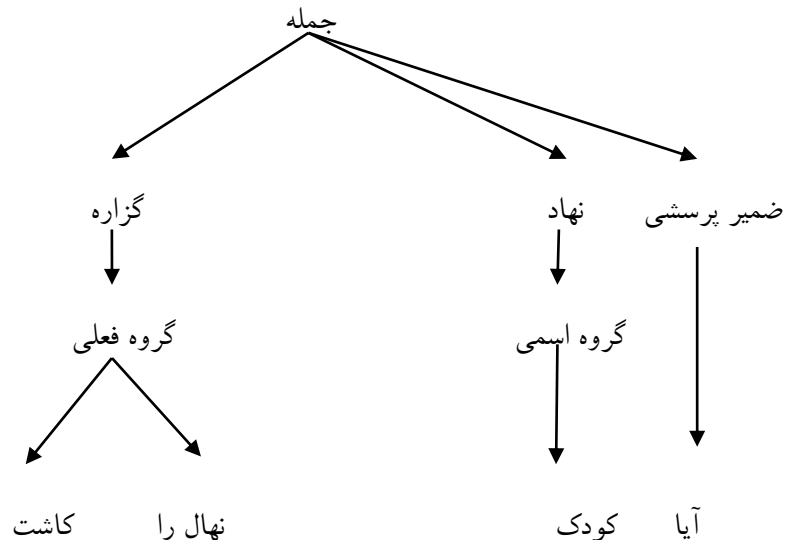


این قواعد مربوط به ساختهای نحوی زبان عربی است که طبق نظریه زایشی - گشتاری مقابله‌ی زبانی می‌شود و قواعد ساختاری زبان فارسی در مقابل هریک از این استدلالها آورده می‌شود. در زبان فارسی نیز قواعد مختلف ساختاری وجود دارد که برای حالتها و جملات گوناگون طرح می‌شود.

«بر پایه‌ی تجزیه‌ی روساختی، می‌توان نظام روابط دستوری موجود میان سازه‌ها یا واحدهای نحوی را روشن ساخت و از این راه به صراحت توصیف روساختی درستی برای هریک از جمله‌های زبان ارائه کرد.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۰: ۹۳). در تمامی زبانها ساختهای گوناگونی وجود دارد که اجزای مختلف جمله را نشان می‌دهد که جزء بزرگتر به اجزای و واحدهای کوچکتری قابل تقسیم است

در ترجمه‌ی جمله‌ی روساختی که به صورت نمودار درختی رسم شد، ملاحظاتی صورت می‌گیرد؛ با انتخاب نمودار ساختاری مناسب جهت جایگزین کردن گروههای مشخص شده، می‌توانیم جمله را به اینگونه ترجمه کنیم:

ترجمه: ضمیر پرسشی + گروه اسمی (نهاد) + گروه فعلی (گزاره)



این نمونه‌ای از ترجمه‌ی جمله از زبان عربی به زبان فارسی با استفاده از استدلال ساختاری بود که بر اساس نظریه‌ی گشتاری مفهوم اولیه همان است ولی ترکیبها در دو زبان متفاوت با یکدیگر می‌باشد. همانگونه که بیان شد یک واژه ممکن است معادل و معانی مختلفی را در برگیرد.

معادلیابی واژگان (إثم، إفک، فسق و ذنب)

زبان ابزار ارتباطی است و عمل برابریابی در همه‌ی متون از سوی مترجم انجام می‌گیرد، گاهی مترجم با کمی بی‌توجهی نسبت به کارکرد اصلی واژگان و معانی آنها در زبان مقصد اقدام به این کار می‌کند که موجب عدم شفافیت در مفهوم و در برخی موارد انحراف از معنی اصلی می‌شود، همانطور که در بخشهای قبلی مقاله بیان شد، محتوای اصلی ترکیبات، جملات و مفاهیم در همه‌ی زبانها یکسان است اما در برگردان آن به زبان دیگر لازم است با آشنایی کامل نسبت به قواعد دستوری و نحوی و نیز واژگان مورد استفاده در بین اهل زبان پیام مورد نظر متن را به خوبی به مخاطب برسانیم. پس از بررسی کوتاه در مورد نظریه‌ی زایشی - گشتاری و مختصات گشتاری آن که مفهوم ذهنی را که طی عملیاتی از ساخت عمقی به ساخت سطحی

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

تبدیل می‌کند و در این روند جملات با قرارگرفتن در چارچوب قواعد دستوری هر زبان (نمودهای ساختاری) و اجرای عناصر گشتاری (حذف، درج، جابجایی و فراجایگاهی) به جمله‌ی روساخت می‌رسند، لذا پژوهشگران در این قسمت با آوردن نمونه‌هایی از زبان قرآن و آیات، علاوه بر عملیات تبدیل مفاهیم ذهنی به جملات آشنا در زبان فارسی به برخی از برابریابی نامتعادل را که موجب تعدد معنایی و کثرت واژگانی در زبان مقصد شده است، بیان کنند.

واژگانی که در قرآن کریم به آنها استشهاد می‌شود، برخی دارای معانی خاص در ترجمه هستند که لازم است مترجم محترم نهایت دقت را در برگردان چینی واژگانی بکار بندد. علاوه بر متون دینی در بیشتر متون واژگان چند معنایی وجود دارد که برای معادل‌یابی در زبان مقصد آشنایی با معنای اولیه و نیز معانی دیگر آن لازمی درک درستی از پیام متن است. آیات متعددی وجود دارد که در آنها واژگان مختلفی بار معنایی واژه‌ی گناه را در خود دارند.

اِثم

این واژه همراه کلمات دیگری نظیر ذنب، سیئه، اِفک و... در قرآن در ترجمه به زبان فارسی مترادف می‌باشد، اما تفاوت‌های اساسی با همدیگر دارند.

شاهد قرآنی: اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْكُمْ الْمِیْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِیْرِ وَمَا اُھِلَّ بِهٖ لِغَیْرِ اللّٰهِ فَمَنْ اَضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَاَعَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَیْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ (بقره، آیه ۱۷۳).

ترجمه‌ی (۱) انصاریان: جز این نیست که خدا [برای مصون ماندن شما از زیان‌های جسمی و روحی] مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام کرده. پس کسی که [برای نجات جاننش از خطر] به خوردن آنها ناچار شود، در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند، گناهی بر او نیست؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است

ترجمه‌ی ۲) خرمشاهی: بدانید که خداوند [بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نامی جز نام خدا به هنگام ذبحش برده باشند، حرام کرده است، اما اگر کسی درمانده شود، و تجاوز کار و زیاده‌خواه نباشد] و از آنها بخورد [گناهی بر او نیست، چرا که خداوند آمرزگار مهربان است.

ترجمه‌ی ۳) قمشه‌ای: به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هر کس که به خوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققاً خدا آمرزنده و مهربان است.

ترجمه‌ی ۴) مکارم شیرازی: خداوند تنها (گوشت) مردار و خون و گوشت خوک، و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است (ولی) آن کس که مجبور شود (در موقع ضرورت برای حفظ جان خود از آن بخورد در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد گناهی بر او نیست، خداوند بخشنده و مهربان است،

ترجمه‌ی ۵) فولادوند: خداوند تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانیده است [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است

این ترجمه‌ی آیه است که شاهد در کلمه‌ی *إثم* است که به معنی گناه ترجمه شده است. در چارچوب نظریه‌ی زایاگشتاری این مورد می‌تواند جایگزینی درست برای واژه‌ی *إثم* باشد اما نباید از معنای اصلی واژه‌ی غافل شد؛ «معنی این واژه کندی و به تأخیر انداختن است؛ گفته می‌شود - ناچه آثمه شتر تأخیرکننده.» (جلیلیان و حسینی بناب، ۱۳۹۴: ۱۶۰)، چرا که معنای اصلی آن ما را رهنمون به معنی ثانویه خواهد کرد.

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

بر این اساس جمله‌ی روساخت در ترجمه از عربی به زبان فارسی به همین شکلی که استاد فولادوند ترجمه کرده است می‌باشد با این تفاوت که مفهوم اصلی را در ترجمه بیان کند تا واژه‌ی اِثْم از طریق معانی اصلی ما را به معنی مورد نظر در این آیه که همان گناه می‌باشد، دلالت کند.

إفک

شاهد قرآنی: لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (سوره‌ی نور:

آیه‌ی ۲۴)

ترجمه اول: چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است (فولادوند، سوره‌ی نور: آیه‌ی ۲۴)

ترجمه دوم: چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید مردان و زنان با ایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند؟ چرا نگفتید این یک دروغ بزرگ و آشکار است؟! (مکارم شیرازی، سوره‌ی نور: آیه‌ی ۱۲). در این دو ترجمه شاهد هستیم که معادل واژه‌ی اِفک به ترتیب بهتان و دروغ بزرگ است که همان معنای گناه را در ذهن تداعی می‌کند البته مترجم در این مورد به صراحت مفهوم گناه را در این ترجمه درج نکرده است و این مورد نمونه‌ی وجود چند معنایی در یک واژه است که علاوه بر اصل و وحدت معنایی در وجود یک واژه، معانی مختلفی در واژه بر اساس جانشینی و قرارگرفتن در موقعیتی خاص به خود می‌گیرد. با بررسی ترجمه‌های دیگر مترجمان محترم به این نتیجه می‌رسیم که واژه-های مختلفی که دارای معانی مشابه هستند برای انتقال مفهوم واحدی در یک آیه به این صورت ترجمه می‌شوند که البته معنای اصلی خود را نیز حفظ کرده‌اند. گرچه هریک از این واژگان در جای خود و در غیر آیات معنای مشخصی هم به خود می‌گیرند.

«تصور عمومی بر این است که نخستین معانی واژه‌ها ویژگی تخصیص معنایی (واژه‌ی اردک ممکن است فقط به اردک سفید اطلاق شود، نه اردک قهوه‌ای) و بسط معنایی (واژه‌ی اردک ممکن است به بوقلمون، مرغ و غاز هم اطلاق شود) دارند.» (فائض، ۱۳۷۲: ۶۲). بنابراین ما بایستی در ترجمه شیوه‌ی متعادل و قابل

قبول که در انتخاب واژگان کاربرد دارد بکاربندیم، یعنی در انتخاب و جایگزین کردن واژگان از همان کلمات، ترکیبات و اصطلاحات آشنا و معروف در زبان بهره گیریم. «معادل آشنا در عرف زبان مقصد معادلی است که شاید در فرهنگهای لغت ذکر نشده باشد اما مترجم اطمینان دارد که این معادل، منظور نویسنده متن اصلی را بخوبی می‌رساند و علاوه بر آن، باعث روانی و شیوایی متن ترجمه می‌شود.» (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۵۷) دستور زایا گشتاری طی مراحل زیرساخت تا مرحله روساخت در ترجمه نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ با ترکیب اولیه‌ی در ذهن مترجم، سپس انتخاب واژگان مناسب در زبان هدف و در مرحله‌ی بعدی ریختن واژگان در قواعد سازه‌ای همان زبان و بالاخره روساخت ترکیب و نگارش آن در متون مختلف مراحل گشتاری ترکیبات از زبانی به زبان دیگر می‌باشند. هر یک از لوازم مورد نیاز ترجمه در جای خود نقشی تعیین کننده در فهم، انتقال، امانتداری، نزدیکی به متن اصلی و ... ایفا می‌کنند.

در میان همه این مواردی که ذکر شد، نقش واژگان بسیار مهم می‌باشد، زیرا عدم اطلاع از واژگان معادل و معانی مختلف آنها در برخورد با کلمات و ترکیبات گوناگون، موجب انحراف متن از مسیر واقعی خواهد شد و انتظار مخاطب را در دریافت متن اصلی برآورده نخواهد کرد. این اصلی است که بیشتر کارشناسان و صاحب نظران ترجمه به آن اذعان دارند. «مرحله دوم در کار ترجمه پس از خواندن متن از اول تا آخر با دقت کافی برای دریافت مفهوم کلی و روح مطالب، شناخت لغات و ترجمه آنهاست. در این مرحله، لغات مشکل متن استخراج شده، معانی مختلف آنها از کتب لغت مشخص می‌گردد.» (زرکوب، ۱۳۷۴: ۶) چرا که آشنا بودن با معانی و لایه‌های مختلف واژگان در مسیر ترجمه یک متن کار مترجم و مخاطب را نسبتاً آسان کرده و میزان اعتماد به ترجمه افزایش می‌یابد.

فسق

فسق بر اساس نمونه‌های موجود در منابع گسترده به معنای خروج از مقررات دینی یا عقلی یا طبیعی لازم است، در بیشتر آیات قرآن عبارت فسق هم‌ردیف کفر و در تقابل با ایمان بکار رفته است در برخی آیات بی‌وفایی و اقدام علیه خواست خدا بیان شده است؛

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

– فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (سوره ی زخرف: آیه ی ۵۴)

ترجمه: پس قوم خود را سبک مغز یافت [و آنان را فریفت] و اطاعتش کردند چرا که آنها مردمی منحرف بودند؛ این مفهوم در این ترجمه به خوبی مشهود است که فسق با عنوان عدم اطاعت از فرمان الهی بیان شده است.

– شاهد قرآنی: وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (سوره ی انعام: آیه ی ۱۲۱)

با توجه به ترجمه‌های ذیل کاملاً این موضوع قابل درک است که یک واژه در معادل‌یابی در زبان مقصد علاوه بر معنای اولیه‌ی دارای معنای ثانویه نیز می‌باشد که لازم است برای جمله‌ی مورد نظر و با توجه به مفهوم جمله‌ی مورد نظر برابری صورت گیرد.

– ترجمه‌ی ۱- انصاریان: از آنچه [هنگام ذبح شدن] نام خدا بر آن برده نشده نخورید؛ مسلماً خوردن آن فسق [و بیرون رفتن از عرصه طاعت خدا] است؛ قطعاً شیاطین [شبهات ناروایی را به ضد احکام خدا] به دوستانشان القاء می‌کنند تا با شما [درباره احکام خدا] مجادله و ستیزه کنند، و اگر از آنان پیروی کنید، یقیناً شما هم مشرکید.

– ترجمه‌ی ۲- خرمشاهی: و از قربانی‌ای که نام خدا را [به هنگام ذبحش] بر او نبرده‌اند، نخورید چرا که نافرمانی است و شیاطین به دوستداران خویش الهام و پیام می‌دهند تا با شما مجادله کنند، و اگر از آنان پیروی کنید، شما هم مشرکید

– ترجمه‌ی ۳- فولادوند: و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است نخورید چرا که آن قطعاً نافرمانی است و در خفا شیطانها به دوستان خود وسوسه می‌کنند تا با شما ستیزه نمایند و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید

- ترجمه‌ی ۴- قمشه‌ای: و از آنچه نام خدا بر آن ذکر نشده نخورید که آن فسق و تبه کاری است. و اهریمنان سخت به دوستان و پیروان خود وسوسه کنند تا با شما به جدل و منازعه برخیزند. و اگر شما هم از آنان پیروی کنید (مانند آنها) مشرک خواهید

- ترجمه‌ی ۵- مکارم شیرازی: و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده نخورید و این کار گناه است، و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند و اگر از آنها اطاعت کنید شما هم مشرک خواهید بود!

در تمامی این ترجمه‌ها اختلاف معنایی واژه‌ی فسق مشخص است، هر یک از مترجمان بر اساس سلايق و برداشتهای خود از گستره‌ی معنایی واژه‌ی فسق اقدام به برگردان آن در ترجمه‌ی آیه کرده‌اند، نکته‌ی قابل توجه در ترجمه‌ها عدم توضیح و اشاره به اصل معنای واژه است که نیاز دارد تا بررسی دقیقی در این مورد صورت گیرد، چراکه تمامی واژگانی که به صورت معنای مترادف برای واژه‌ی گناه در ترجمه آمده است، حتماً برابر دقیق واژه‌ی گناه نبوده بلکه به دلیل کاربرد زیاد اهل زبان به این شکل ترجمه شده استف این مطلب همان تعدد معنایی و گستردگی واژانی در ترجمه است که در بیشتر ترجمه‌ها توجه زیادی به آن نمی‌شود.

ذنب

واژه‌ی ذنب ۳۷ بار در قرآن کریم تکرار شده است که با توجه به آیات مورد نظر، آن واژه در دو گروه معنایی بکار رفته است؛ یکی متون مربوط به استغفار بندگان و دیگری مربوط به عذاب الهی به سبب گناه اقوام پیشین می‌باشد. (راهنما، ۱۳۸۷: ۱۱۸)

شاهد قرآنی: **وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ** (سوره‌ی شعرا: آیه‌ی ۱۴)

ترجمه‌ی اول: انصاریان: و آنان را بر من ادعای جرمی است که می ترسم [به سبب آن] مرا بکشند.
ترجمه‌ی دوم: خرمشاهی: و آنان را بر من [ادعای] گناهی هست، لذا می‌ترسم که مرا بکشند

ترجمه‌ی سوم: فولادوند: و [از طرفی] آنان بر [گردن] من خونی دارند و می ترسم مرا بکشند ترجمه‌ی چهارم: قمشه‌ای: و بر من از این قوم (قبطی) گناهی است که می ترسم به قتل رسانند. ترجمه‌ی پنجم: مکارم شیرازی: و آنها (به اعتقاد خودشان) بر من گناهی دارند می ترسم مرا به قتل برسانند (و این رسالت به پایان نرسد). در این پنج ترجمه معانی مختلفی را برای واژه‌ی ذنب شاهد هستیم که همگی بر معنی واحدی تکیه دارند. «اما در اصل ذنب عبارت از هر عملی است که به دنبالش ضرر و یا فوت نفع و مصلحتی بوده باشد، و اصل آن از «ذنب» گرفته شده که به معنای دم و دنباله حیوان است و به گناهان نیز اطلاق ذنب شده است؛ زیرا گناه، جنایت و ستم به دیگران دنباله و آثاری دارد و مستلزم کیفر و عقوبت و انتقام است که ضروری است نسبت این مفاهیم ذنب در ترجمه‌ی آن از زبان عربی به زبان فارسی توجه شود. اما کسی که از روی عمد و اراده اقدام به کار زشت می‌نماید کار او از قبیل خطا نبوده؛ زیرا با اراده اقدام به آن کار کرده است، بنابراین، عمل او عصیان و سرپیچی از امر مولا است و آیه شریفه «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» ناظر به همین فرق است؛ بنابراین، بخشش و رحمت خداوند در ارتباط با خطا است و خداوند آمرزنده‌ای بخشاینده است. و اما عصیان و اقدام بر کار به صورت عمدی برای شامل شدن بخشش و رحمت خداوند نیاز به امور دیگر دارد. از آنچه بیان شد این مطلب واضح گردید که خطا غیر از اثم است.

همانگونه که بیان شد واژگان در میان اهل زبان با معانی آشنا در جایگاه مناسب خود بکارگرفته می‌شوند، اما در صورتی که میان دو متن ارتباط برقرار کنیم لازم است تا معنای اصلی واژه را از زبان مبدأ به طور دقیق متوجه شویم و بر اساس آن معنی کار ترجمه صورت گیرد؛ هر سه واژه که در آیات متعدد قرآن با عنوان واژه‌ی گناه به زبان فارسی برابری شده، درست معنی شده است اما هم معنی قرار گرفتن همه‌ی واژگان در یک گروه، این تصور را در ذهن ایجاد می‌کند که به محض اطلاع از معنی واژه‌ی به ظاهر مترادف، برای واژگان دیگر این گروه آن معنی را عمومیت ببخشیم، اما این نوعی آسیب در ترجمه است و با

متن اصلی که دارای مفهوم خاصی می‌باشد کمی ناهماهنگ به نظر می‌رسد، ذنب، به معنی دنباله است، چون هر عمل خلافی یک نوع پی آمد و دنباله به عنوان مجازات اخروی یا دنیوی دارد؛ این واژه، در قرآن ۳۵ بار آمده است و واژگان دیگر یعنی اِثم و اِفک هرکدام معنی خاصی دارند که در ترجمه اشاره به آنها موجب شفافیت معنی و پیام می‌شود، زیرا واژگان قرآنی که با صورتهای مختلفی در آیات ذکر شده‌اند، دارای مفاهیم و برداشتهای مختلفی هستند که ضرورت دارد مترجم از جایگاه و معنی هرکدام آگاهی داشته باشد تا مفهوم به طور صحیح به مخاطب القا شود.

از سوی دیگر واژگان در ترکیب با کلمات دارای معانی مختلفی می‌باشند که این به دلیل وجود اصل همنشینی و جانشینی با دیگر کلمات در متون مختلف است، اصلی که مترجم را به مطالعه معانی مختلف واژگان در همنشینی با واژگان دیگر ملزم می‌کند تا میزان خطاهای وی در برخورد با چنین ترکیباتی به حداقل برسد. نمونه‌های بسیاری در متون مختلف را می‌توان برای بحث گسترده اصل همنشینی ذکر کرد که در همه متون بدون استثنا موجود می‌باشد. مصداق بارز این اصل، قرآن کریم است که در جایجای آن می‌توان مثالهایی برای این عنوان کرد:

– فی جیدها حبلٌ من مسدٍ در گردنش طنابی از لیف خرماست (آیه ۵: سوره تبت)

در این آیه همانگونه که مشخص است واژه حبلٌ به معنی ریسمان یا طناب ذکر شده، ولی در ایه‌ای دیگر:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (آیه ۱۶: سوره ق)

در این آیه برخلاف آیه قبلی واژه حبلٌ به معنی رگ آمده است.

وجود معناهای مختلف در این واژگان چه در ترجمه از زبان عربی به فارسی و چه برعکس، نشان دهنده ثبوت واژگانی در زبان عربی در یک واژه و تعدد معنایی همان واژه در زبان فارسی است، لذا مترجم در صورت ترجمه چنین واژگانی حتماً آگاهی کاملی از معانی آنها داشته و در جای خود از آنها بهره گیرد. برخی از واژگان وجود دارند که ممکن است در زبان اول با یک واژه عنوان شوند ولی در زبان دوم چند

تنوع معنایی و گستردگی لفظی در ترجمه از عربی به فارسی، با رویکرد زبانشناسی زایا گشتاری؛

معنایی باشند. کلمات و ترکیبات زیادی وجود دارد که با وجود وحدت واژگانی دارای معانی متعددی در ترجمه به زبان دوم می‌باشند.

نتیجه گیری

ترجمه بخشهای مختلفی دارد که مترجم با در نظر گرفتن آنها اقدام به ترجمه می‌کند. از میان تمامی مراحل ترجمه‌ی متون، توجه به واژگان در ترجمه از زبان فارسی به عربی و برعکس اهمیت ویژه‌ای دارد. برای ترجمه‌ی واژگان و ترکیبات مرحله‌ی در دو زبان وجود دارد که واژه‌گزینی و تعریف نمونه‌هایی از این معادلیابی می‌باشند، از طرفی با در نظر گرفتن سیستم نوین زبانشناسی و بخشهای مختلف آن می‌توانیم مسیر معادلیابی را ترسیم کنیم؛ گرچه در این نظریه به طور مشخص در مورد ترجمه بحثی وجود ندارد اما بحث گشتار در آن مترجم را در انتخاب واژگان و معادلیابی کمک می‌کند. در گشتار بر اساس حذف، جایگزینی، درج و جابجایی کار معادلیابی در ترجمه صورت می‌گیرد؛ با ایجاد مواد ذهنی و جایگزین کردن آن در گروه اسمی زبان هدف (قواعد سازه‌ای) و حذف موارد زاید و بالآخره صورت کامل جمله (روساخت) یا ترکیب در زبان هدف کار ترجمه عملی می‌شود. این عوامل مانند روشهای معادلیابی باعث تعدد معنایی و توسعه‌ی واژگانی در زبان عربی و زبان فارسی می‌گردد.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

Alavi al-Habashi, H., (2019), "*Features of the theory of al-Tawlidiyah al-Tahawiliyyah in the book of Sibayayh*", Hadramout Society of the Scientific Conference, pp. 309-323

Al-Maavash, S., (2011), *Al-Arabic Hadith Literature*, 2th edition, Beirut-Lebanon, Dar Al-Nehzah Al-Arabiya

Al-Qahtani, S., (2002), *Al-Taarib and Al-Nazariyyah al-Takhtiit al-Lagahwi* (Comparative study on the localization of terminology in Saudi Arabia), 1th edition, Beirut, Al-Wahda Al-Arabiya Center for Studies.

Darraj, A., (2003), *Contemporary trends in the development of linguistic studies*, Kingdom of Arabia, Saudi Arabia (Riyadh), Rushd Nashrun School

Derghawi, M., (2014), "Chamsky's theory of transformation of foundations and concepts", *Al-Academy for Social and Human Studies*, pp. 12-3

Jalilian, H., (2014), "*Study of common spiritual words related to sin in the Holy Quran and hadiths*", *Siraj Munir*, fifth year, pp. 188-159

Khorramshahi, B., (2010), *Tarjome-Kawi*, 1th edition, Tehran, Nahid Publishing House.

Lacini, K., (1995), *Grammar and Linguistic Arguments*, 1th edition, Tehran, Guide Publications

Maarouf, Y., (2013), *The art of translation (theoretical and practical principles of translation from Arabic to Persian and Persian to Arabic)*, 11th edition, Tehran, Razi University and Samt.

Meshkat Al-Ddini, M., (1990), *Persian grammar based on Gestari theory*, 2th edition, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad Najib, E., (2005), *Osos Al-Tarjoma Man Al-Angliziyeh Ili al-Arabiya and vice versa*, 5th edition, Al-Cairo, School of Ibn Sina

Semantic diversity and lexical breadth in translation (Arabic to Persian) with Generative-Transformational Grammar; Case examples (Ethm, Efq, Fesq, Zhanb) [In Persian]

Mohammadi Shirmohammadi, S., (1999), Chamsky, 1th edition, Tehran, Shirazeh Publishing and Research

Nazemian, R., (2006), The Art of Translation (Arabic-Persian), 1th edition, Tehran, Payam Noor University

Por afkari, N., (2016), "A new look at Noam Chamsky's thoughts", scientific-research quarterly of Azad University, Shushtar branch, pp. 30-13

Rahnema, H., (2007), (2008). "The Semantic Field of the Names of "Sin" in the Holy Quran and their Comparative Study in Persian Translations (A Proposal for the Method and Criticism of Translation)." Quran and Hadith Studies, Vol 1, No 2, pp 113-147. doi: 10.30497/quran.2008.967

Seyyedi Mohammad, R., (2017), "Al-Tahwil fi al-Naha' Al-Arabi", Abu Bakr Belqaid Society, All Literature and Languages (Part of Arabic Language and Al-Uloom

Shirvan, J., (2018), Discussions in Linguistics and Translation, Tehran, Luise Parsi Publishing

Shokrani, R., & Tavakoli, M. (2012). "Equivalent of "Inna" in Persian at the Beginning of the Holy Quran Verses Regarding Generative Transformational Grammar". Linguistic Research in the Holy Quran, Vol 1, No 2, pp 1-22.

Torabi, Mohammad Ali, (2008), "Some Basic Concepts in Contemporary Linguistics: An Analysis from the Point of View of Gestari Grammar", Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz), Vol 45, No 182, pp 29-60.

Zia Hosseini, M., (2008), Basics of Linguistics (for students of Linguistics, Translation and Language Education), 1th edition, Tehran, Rahnema Publications